

دوفصل نامه تاریخ ادبیات، نشریه علمی  
دوره سیزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹  
شماره پیاپی: ۸۴/۲، نوع مقاله: علمی- پژوهشی

• دریافت ۹۹/۰۱/۱۹

• تأیید ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

## ضرورت تصحیح دوباره نزهت نامه علائی

معصومه سام خانیانی \*

جمیله اخیانی \*\*

محرم اسلامی \*\*\*

مهدی محبتی \*\*\*\*

### چکیده

نزهت نامه علائی نوشته شهردان بن ابی الخیر رازی، به عنوان یکی از نخستین دانشنامه های پارسی، در دسته مهم ترین نثرهای فارسی جای می گیرد. این اثر را یک بار در سال ۱۳۶۲ فرهنگ جهانیور تصحیح و چاپ کرده است؛ اما با توجه به اهمیت متن و نابسامانی های چاپ مذکور، از جمله استفاده نکردن مصحح از همه نسخه های موجود، انتخاب ضبط های نامناسب، نادرستی ضبط نسخه ها، بی توجهی به ویژگی های سبکی متن، پایبند نبودن به حفظ امانت در ضبط نسخه ها، اشتباه خواندن نسخه ها و حذف واژه یا اصطلاحی مهم از متن، رعایت نکردن علائم سجاوندی، غلط های املائی، نداشتن هیچ گونه شرح و فهرستی و... تصحیح دوباره ای می طلبد. در مقاله حاضر ضمن معرفی نزهت نامه به عنوان منبعی از اطلاعات بکر و تبیین وجوه اهمیت آن، برخی از اشکالات تصحیح یاد شده مانند: استفاده نکردن از همه نسخه های موجود، انتخاب ضابط های نامناسب، نادرستی ضبط برخی نسخه ها، بی توجهی به ویژگی های سبکی متن و در نتیجه دور کردن متن از کهنگی و اصالت نخستین، پایبند نبودن به حفظ امانت در ضبط نسخه ها، اشتباه خوانی نسخه ها، حذف واژه یا اصطلاحی مهم از متن و... را نشان داده ایم و نیز با معرفی ده نسخه جدید شناسایی شده از کتاب و باز نمودن اهمیت این نسخه ها برای برطرف کردن موارد ابهام متن، بر ضرورت ارائه تصحیح منقح تری از کتاب تأکید کرده ایم.

### کلید واژه ها:

تصحیح، شهردان بن ابی الخیر رازی، نزهت نامه علائی.

m.samkhanian@ymail.com

\*دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان. ایران.

j\_akhyani@znu.ac.ir

\*\*دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان. ایران. (نویسنده مسؤل)

meslami@znu.ac.ir

\*\*\*دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان. ایران.

mohabbati@znu.ac.ir

\*\*\*\*دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان. ایران.

**Abstract**

**The Necessity of Re-editing Nozhatnāmeḥ ‘Alā’i**

**Masumeh Samkhaniani\***

**Akhvani, Jamileh\*\***

**Eslami, Moharram\*\*\***

**Mahdi Mohabbati\*\*\*\***

Nozhatnāmeḥ ‘Alā’i by Shahmardan ibn Abi al-Khair Razi, one of the first Persian encyclopedia, belongs to the most important class of prose writings. Farhang Jahanpur edited and published this work in 1362/1983, but due to the importance of the text and due to the problems and the deficiencies in it, it needs to be reedited. The present paper in addition to introducing the Nozhatnāmeḥ as the first encyclopedia containing original source of information and explaining important aspects of it; we have shown some deficiencies such as not referring to all existing editions, relying on inappropriate editions, lack of accuracy of some editions, ignoring stylistic characteristics of the text resulting in distancing from originality, lack of loyalty in recording, misreading the text and remove an important word or term from the text, etc. Additionally, by introducing ten new manuscripts from the book and representing the importance of these editions in clarifying the ambiguities in the text, then the necessity of presenting a more proper correction of the book is emphasized.

**Keywords:** editing, Shahmardan ibn Abi al-Khair Razi, Nozhatnāmeḥ ‘Alā’i.

\*Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature. University of Zanjan. Iran.  
m.samkhanian@ymail.com

\*\*Associate Professor of Persian Language and Literature. University of Zanjan. Iran  
(Corresponding Author) j.akhyani@znu.ac.ir

\*\*\*Associate Professor of Persian Language and Literature. University of Zanjan. Iran.  
meslami@znu.ac.ir

\*\*\*\*Associate Professor of Persian Language and Literature. University of Zanjan. Iran.  
mohabbati@znu.ac.ir

## مقدمه

نزهت‌نامه علائی - یکی از نخستین دانشنامه‌ها به زبان پارسی - در اواخر قرن پنجم و یا اوایل قرن ششم هجری توسط شهردان بن ابی‌الخیر رازی، یکی از منشیان دربار خاصیک ابوکالیجار گرشاسف بن دشمنزیار کاکویه، حاکم یزد (بین سالهای ۴۸۸-۵۱۳) و برای او نوشته شد. شهردان علاوه بر نزهت‌نامه، تألیفات دیگری نیز داشته که در همین اثر از آنها نام برده است: *البدایع* که نسخه‌ای عربی از نزهت‌نامه است با تفاوت‌هایی، *روضه المنجمین*، خلاصه‌ای از تاریخی که پیروزان معلم از پهلوی به پارسی درآورده، و *حل الرموز السماویه اجل من الكنوز الدنیایویه* در اعداد مادون العشره.

جهان‌پور نزهت‌نامه را پیش از انقلاب، تصحیح و برای نخستین بار در سال ۱۳۶۲ چاپ کرده و مقدمه‌ای مفصل بر آن نوشته است. متن اصلی کتاب شامل یک مقدمه و دو قسم است که هر قسم شش مقاله و هر مقاله چندین باب دارد و در ۵۷۳ صفحه تدوین شده است. مصحح در فهرست آغازین کتاب، صفحه ۵۷۴ به بعد را به فهرست‌های ضمیمه اختصاص داده که البته هیچ‌گاه به چاپ نرسیده است.

از آنجا که نزهت‌نامه از نخستین دانشنامه‌های پارسی است، انتظار می‌رود از آن به‌عنوان مرجعی اصیل برای پژوهش‌های مربوط به علوم کهن استفاده شود. اما با بررسی‌های انجام‌شده به نظر می‌رسد نزهت‌نامه در جامعه علمی نسبتاً گمنام است. گواه ما مقاله ارزشمند مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی درباره علم جانورشناسی است که در بحث از پیشینه این علم و آثار نوشته‌شده در این زمینه، از نزهت‌نامه نامی برده نشده است؛ درحالی‌که قسم نخست این کتاب اطلاعات فراوانی درباره جانوران دارد (نک: قلندری، ۱۳۸۸: ۱۷/ ۳۹۴-۴۰۵). نمونه دیگر مقاله‌ای درباره خواب‌گزاری به زبان پارسی است که مؤلفان آن از نزهت‌نامه، که از قدیمی‌ترین اسناد در این موضوع است، یاد نکرده‌اند (عیوضی و ملایی، ۱۳۹۸) و همچنین است برخی پژوهش‌ها درباره علم فراست (ر.ک: مولوی، ۱۳۷۹: ۹/ ۶۰۶-۶۰۸ و نیز ر.ک: عالم زاده و معینی نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۳۷ و رضوی برقی و عالم‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۹-۲۰۰) و ...

مطالعه نزهت‌نامه، هم اطلاعات بکر فراوانی را در آن نشان می‌دهد و هم متأسفانه نقاط تاریک و مبهم دارد. از این رو احیا و ارائه متنی منقح و معتبر با تصحیح تازه از آن ضروری می‌نماید. در مقاله حاضر با روش توصیف و تحلیل متن ابتدا به معرفی کتاب و اهمیت آن می‌پردازیم و سپس با ارائه نمونه‌هایی از اشکالات و نواقص تصحیح فعلی و معرفی دست‌نویس‌های تازه‌تر از این اثر، ضرورت تصحیح مجدد آن را نشان می‌دهیم.

### پیشینه تحقیق

آنچه در باره نزهت‌نامه نوشته شده بسیار محدود است: جهان‌پور مصحح کتاب، در سال ۱۳۶۳ مطالب مقدمه را در قالب دو مقاله با نام «نزهت‌نامه علائی: اثر شهردان بن ابی‌الخیر راز» (۱ و ۲) در مجله ایران‌نامه منتشر کرده است. وی در این دو مقاله به بررسی نزهت‌نامه از نظر سبک‌شناسی، نسخه‌شناسی، تاریخ نگارش و مأخذ مؤلف پرداخته و نیز روضه‌المنجمین اثر دیگر مؤلف و نسخه‌های خطی آن را معرفی کرده است.

«باورها و آیین‌های عامیانه نباتی در نزهت‌نامه علائی» از رحمان ذبیحی (۱۳۹۶) در دو ماهنامه فرهنگ، دیگر مقاله چاپ شده در باره این کتاب است. نویسنده مقاله چهارم نزهت‌نامه درباره باورهای مربوط به گیاهان، کشاورزی، شیوه‌های هواشناسی و... را بررسی کرده است. اما درباره اشکالات تصحیحی نزهت‌نامه تاکنون پژوهشی منتشر نشده است.

### معرفی نزهت‌نامه علائی

مؤلف در مقدمه، کتاب را به صورت اجمالی معرفی می‌کند: قسم نخستین «در خواص و منافع و طبایع مردم و حیوانات از سباع و وحوش و بهایم و طیور و هوام و حشرات و اشجار و نبات و احجار و جواهر و اجساد» (شهردان، ۱۳۶۲: ۸) و قسم دوم «در چند نوع خواص و طبایع و فواید از علم حسابی و نجومی و شناختن و دانستن و چند حکایت و همچنین از اعمال پراکنده که به صنعت دست بپیوندند» (همان: ۱۰). از فهرست و مقدمه مشخص می‌شود که با دانشنامه‌ای تقریباً جامع مواجهیم که در آن از بسیاری از علوم متداول زمان سخن رفته است و برخلاف آنچه درباره «تدوین و نگارش آن تحت تأثیر ابن‌سینا با تقسیم‌بندی علوم رایج روزگار» (ذبیحی، ۱۳۹۶: ۳۰) گفته شده، نویسنده در گردآوری مطالب از منابع گوناگون پیرو پیشینیان نبوده است. چراکه نه از طبقه‌بندی‌های چهارگانه متداول آن روزگار خبریست و نه از مباحث فلسفی پیرامون موضوعات. با اینکه شهردان به کتاب‌های ابن‌سینا دسترسی داشته و حتی تلویحاً دانشنامه وی را به دلیل زبان و مطالب دشوارش نقد کرده است (شهردان، ۱۳۸۲: ۲-۳؛ نیز شهردان، ۱۳۶۲: ۲۲)، اما مقایسه نزهت‌نامه با شفاى ابن‌سینا که خود نوعی دانشنامه است، مشخص می‌کند که شهردان نه تنها در تقسیم‌بندی علوم تحت تأثیر ابن‌سینا نبوده، بلکه به نظر می‌رسد از مطالب وی بهره نبرده و اثر مستقلی فراهم کرده است.

نزهت‌نامه شامل دو بخش علوم طبیعی (قسم نخست و بخشی از قسم دوم) و علوم ریاضی (قسم دوم) است. به نظر می‌رسد شه‌مردان در این دسته‌بندی‌ها بیشتر به آراء اخوان‌الرضا توجه داشته (ر.ک: اخوان‌الرضا، ۱۳۹۶: ۱/ ۹۰-۹۳) و علوم عملی را تاحدی براساس نظریات آنها بنا نهاده است. از بیشتر علوم مقدماتی (به جز علوم زبانی) سخن گفته، علوم دینی و شرعی را حذف کرده (به استثناء علم تعبیر خواب) و از علوم فلسفی نیز فقط در منطق و حساب و هندسه و نجوم بسیار ابتدایی و مختصر سخن گفته و به موسیقی و علوم الهی نیز نپرداخته است. شاید یکی از دلایل این سکوت خودآگاه متن را بتوان در مخاطب آن دانست. در سراسر کتاب از نوع انتخاب مطالب تا میزان مباحث فلسفی مشخص می‌شود که روی سخن شه‌مردان بیشتر با مخاطب عام است؛ مخاطب عام غیر متخصصی چون حاکم یزد که باید قادر به درک مطالب متنوع کتاب باشد (ر.ک: شه‌مردان، ۱۳۶۲: ۵۵۸-۵۵۹). دلیل دیگر آن می‌تواند هدف اصلی وی از فراهم آوردن این کتاب باشد که گردآوری خواص پدیده‌های مختلف از حیوانات، گیاهان، اجبار، فلزات، اعداد، حروف و... است و چون در علوم شرعی و الهی اطلاعاتی همگون و یا همساز با خواص موجودات نمی‌دیده، از آوردن آنها در کتاب خودداری کرده است.

### اهمیت نزهت‌نامه

نزهت‌نامه علائی از لحاظ تاریخ نثر فارسی در دوره گذار بین سبک مرسل و فنی جای می‌گیرد. به نظر می‌رسد رأی جهان‌پور که نزهت‌نامه را مربوط به آغاز دگرگونی متن فارسی تشخیص داده است (ر.ک: ۱۳۶۲: ۱۰۶-۱۰۷)، دقیق‌تر از نظر بهار باشد که آن را متعلق به دوره سامانی می‌داند (۲/۱۳۸۶: ۵۲ و ۱۶۲). استفاده از واژگان عربی ساده، استفاده از واژگان یا ترکیبات مترادف در کنار یکدیگر مانند: «بُخست نکند و آواز ندهد» (شه‌مردان، ۱۳۶۲: ۷۹) و «بِگاه هیجان و وقت گشن کردن» (همان، ۴۹)، تأثیرپذیری از برخی ویژگی‌های نحوی عربی در حد اعتدال، همچون انواع مفعول مطلق‌ها: «و سیاه باشند سخت سیاه» (همان: ۳۰۹)، «و نظر [به] آفتاب دارد نظری پسندیده» (آکسفورد/۲: ۳۵) از ویژگی‌های آن است.

استفاده از قید درزودی به جای بزودی، حذف گاف میانجی در کلمه‌های مختوم به های غیر ملفوظ مانند نوشتن خانه به جای خانگی، تازه به جای تازگی و سیکی خواره به جای سیکی خوارگی، حذف ی نشانه کسره بعد از کلمات مختوم به الف، همچون دست‌ها کارد به جای دسته‌های کارد، حذف یکی از دو «ه» به هنگام جمع بستن کلمات مختوم به «ه» با علامت «ها» مانند:

پارها گوشت به جای پاره‌های گوشت، کاربرد «که» در معنی «از»: «و آن وقت زخمش صعب‌تر باشد که آن وقت که زنده باشد» (آکسفورد/د: ۱: گ ۶۱)، «و اگر همچنان بگیرند که آب مشک بید بهتر آید» (شهمردان، ۱۳۶۴: ۲۲۴)، استفاده از واژه‌های خاص محلی و بومی با توجه به مناطقی که مؤلف در آنها مدتی زیسته است، همچون واژه کھیج اصفهانی به جای زالزالک، کندس (نوعی میوه) و مازو (بلوط) و... که از زبان مردم طبرستان وام گرفته است و... را هم می‌توان در زمره ویژگی‌های زبان‌شناختی آن ذکر کرد.

نزهت‌نامه همچنین به دلیل ارائه اطلاعات متنوع از دانش‌های گوناگون، اهمیت مردم‌شناسی نیز دارد. آداب و رسوم مردم در رویارویی با حوادث طبیعی از جمله مواجهه با خشکسالی، چنانکه کهن‌ترین سند موجود از رسم عروسی آب است (شهمردان، ۱۳۶۲: ۲۹۰، و رک: صداقت کیش، ۱۳۸۲: ۳۶)، برخوردهای خرافی در مواجهه با برخی بیماری‌ها، مانند توصیه به وارونه نشستن عقرب‌گزیده بر خر برهنه و گفتن در گوش خر که وی را کژدم گزیده است برای بهبود! (شهمردان، ۱۳۶۲: ۷۷)، ریشه‌یابی برخی ضرب‌المثل‌ها از جمله «خاک مرده پاشیده بودن بر جایی» که ریشه آن را می‌توان در این عبارت یافت: «خاک گور یک مرد و یک زن مرده بر مرد خفته فشانی، گران‌خواب شود و بیدار نگردد تا آنگاه که آب بر رویش فشانی و بشویی» (همان، ۳۸)، بازتاب باورهای متداول زمانه مؤلف درباره زنان از جمله کمتر بودن تعداد دندان‌های زن نسبت به مرد و نیز ناتوانی زنان در «به هر دو دست کار کردن» به دلیل نقصان خلقت (ر.ک: ۱۳۶۲: ۳۶)، همچنین بازتاب باورهای زمانه اهالی برخی مناطق که ذیل خاصیت شهرها گردآوری شده مانند: «هرکه در تبت شود پیوسته خرم و خندان باشد» (همان، ۳۱۰-۳۱۱) و نیز چهره‌شناسی عامیانه از جمله اینکه: «چشم ازرق بی‌حرکت خدای تعالی اندر آن شرم نیافریدست، حکم کن بر اندکی یقین و ضعف ایمان و زنا...» (همان، ۴۰۹) و... که درخور پژوهش‌های دقیق هستند.

علاوه بر اینها استنباط‌های دقیق از آثار تاریخی، رمزگشایی از برخی داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی و نخستین اثر درباره خواب‌گزاری به زبان فارسی از دیگر وجوه اهمیت این کتاب است.

### تأثیر و تأثر نزهت‌نامه و متون دیگر

پیش از هر چیز باید یادآور شد که نزهت‌نامه، نخستین دانش‌نامه در دانش خواص به زبان فارسی است. مجموعه اطلاعاتی که در این متن گرد آمده، گاهی بصورت کلی و یکجا در برخی

متون پیشین بوده و گاهی در آثار جداگانه. از مهم‌ترین آنها که مأخذ بسیاری از متونی همچون نزهت‌نامه است آثار زیر است:

حیوان ارسطو، تاریخ طبیعی از پلینی، *الحيوان* جاحظ، *منافع حیوان* بختیشوع، *رسائل اخوان الصفا*، مقولات ارسطو، *التفهیم بیرونی* و ...

علاوه بر این‌ها، شهردان از برخی از مأخذ خود مستقیماً نام برده است:

*خواص موازین* جابرین حیان (ر.ک: شهردان، ۱۳۶۲: ۳۲)، *تنگلوشا* از ابوبکر وحشی (ر.ک: همان، ۹۷) و *کتاب حیل* که از آن در موضوع تلاویح و کیمیا و زرگری استفاده کرده است (ر.ک: همان، ۱۶۲)، *رساله فراس* از افلیمون (همان، ۴۰۶)، *رساله آثار علوی* از ابوحاتم اسفزاری در علم جوشناسی و... (همان، ۴۲۴)، *تاریخ پیروزان معلم*، کتابی که پیروزان معلم از پهلوی به پارسی دری ترجمه و شهردان نیز آن را خلاصه کرده است (همان، ۳۴۲). افزون بر این مؤلف از کتاب‌های دیگر خود نیز بهره برده که مهم‌ترینش *البدیع* یا *البدایع*، نسخه عربی از نزهت‌نامه، با تفاوت‌هایی است (ر.ک: شهردان، ۱۳۶۲: ۸). دیگری *روضه المنجم* که از «روی کتاب ابوالحسین صوفی اختیار کرده است» (ر.ک: همان، ۲۹۳). *سه‌دیگر حل الرموز السماویه اجل من الكنوز الدنیویه* که در انتهای مقاله دوازدهم از آن استفاده کرده است (ر.ک: همان، ۵۶۷-۵۶۹). وی گاهی نیز از برخی آثار یاد می‌کند، اما نمی‌توان گفت که عیناً از آنها هم استفاده کرده است یا خیر؟ از جمله: *تواریخ پهلوی* و *سرودنامه پهلوی* (همان: ۳۲۹)، *شاهنامه بلخی* و *شاه‌کارنامه رستم لاریجی* (همان: ۳۴۲)، آثار جابرین حیان در کیمیا همچون *رساله (سبعین، خواص موازین، مائه و اثنی عشر، صندوق الحکمه، الاجساد السبعه، المجردات)* (همان: ۵۰۶) و آثار محمدبن زکریای رازی (*الاسرار، سر الاسرار، اثنا عشر*) (همانجا) و ...

از دگرسوی، نزهت‌نامه این اهمیت و سندیت را داشته که بر آثار پس از خود نیز تأثیر گذاشته و تاحدی جریان‌ساز باشد. در دسته دانش‌نامه‌ها می‌توان به چند اثر اشاره نمود: *فرخ‌نامه جمالی* (۱۳۴۶) که به استقبال از نزهت‌نامه نوشته شده، اما سعی مؤلف بر این بوده که هرچه از قلم شهردان جای افتاده در کتابش بگنجانند (جمالی یزدی، ۱۳۴۶: ۵)، *نوادرالتبادر لتحفه البهادر* (۱۳۸۷) که چه در ساختار و چه در استفاده مختصروار از مطالب نزهت‌نامه بسیار مشابه آن است (برای نمونه این صفحات از دو کتاب را مقایسه کنید: دنیسری، ۱۳۸۷: ۲۱۸ و شهردان، ۱۳۶۲: ۳۶؛ و دنیسری، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۹، ۲۱۵-۲۵۴، ۲۵۷-۲۶۵ و...)، *منافع حیوان* مراغی (۱۳۸۸) که به ادعای مؤلفش ترجمه‌ای از *منافع حیوان* عربی (ابوسعید بن بختیشوع، ۱۳۹۲) است، اما در ساختار

بسیار شبیه نزهت‌نامه است و بارها و بارها از مطالب آن استفاده کرده، بدون اینکه از آن نامی بیاورد (ر.ک: مراغی، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۵) و مقایسه کنید با شهردان، ۱۳۶۲: ۳-۶) و جهان‌نامه (۱۳۴۲) که مؤلف آن اثر شهردان را مطالعه نموده و از مطالب و تحلیل‌های وی در کتابش استفاده کرده است (برای نمونه ر.ک: بکران، ۱۳۴۲: ۸۲ و شهردان، ۱۳۶۲: ۳۱۴-۳۱۵). نیز تأثیر نزهت‌نامه بر عجایب‌نامه‌هایی که از این دوره به بعد رواج چشم‌گیری داشتند، قابل بررسی است.

### ضرورت تصحیح دوباره نزهت‌نامه علائی

متأسفانه تصحیح فعلی نزهت‌نامه با اشکالات و نواقص فراوان، شایسته کتابی با این اهمیت نیست و تصحیح منقحی از کتاب بایسته به نظر می‌رسد. در ادامه به مهمترین اشکالات آن می‌پردازیم.

### استفاده نکردن از همه نسخه‌های موجود

طبق مقدمه جهان‌پور (۱۳۶۲: ۳۷) وی ده نسخه از نزهت‌نامه را شناسایی اما فقط از پنج نسخه برای تصحیح استفاده کرده است. پنج نسخه مذکور عبارتند از:

نسخه کتابخانه بودلین در دانشگاه اکسفورد شماره ۱۴۸۰، نسخه کتابخانه دوگال در گوتای آلمان به شماره ۱۰، نسخه کتابخانه جانورشناسی بلاکر در مونترال کانادا، نسخه ناقص کتابخانه چستر بییتی در دبلین شماره ۱۱۵ و نسخه دیگری در کتابخانه چستر بییتی در دبلین شماره ۲۵۵ (جهان‌پور، ۱۳۶۲، مقدمه: ۳۸-۴۰).

پنج نسخه‌ای که مصحح آنها را شناسایی کرده و بدون ذکر هیچ دلیلی از آنها استفاده نکرده، عبارتند از: نسخه کتابخانه مجلس در تهران، شماره ۷۸۴، نسخه کتابخانه ملک در تهران، شماره ۸۵۹، نسخه کتابخانه انجمن آسیایی بنگال در کلکته، شماره ۱۳۵۸، نسخه کتابخانه وین II517 و نسخه‌ای که سعید نفیسی در کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی از آن یاد کرده که در کتابخانه محمد لشکری نگاهداری می‌شود (همان: ۳۷).

مصحح هیچ‌گاه مستقیماً از شیوه تصحیح خود سخن نمی‌گوید. اما با تورق کتاب مشخص می‌شود که روش وی التقاطی بوده و به تشخیص خود هر پاره‌ای از هر نسخه‌ای را درست‌تر دانسته، در متن گذاشته و موارد اختلاف را به پاورقی برده است. اما همیشه در این کار دقیق و حتی امانت‌دار نبوده و در مواضع بسیاری اختلاف نسخه‌ها ذکر نشده و گاهی هم ضبط هیچ نسخه‌ای عیناً در متن نیامده است.



در پی همین اشکال، نگارندگان به نسخه‌های تازه‌ای از نزهت‌نامه دسترسی یافته‌اند که می‌تواند برخی از ابهامات تصحیح پیشین را برطرف سازد. بر این اساس علاوه بر نسخه‌های آکسفورد (قدیمی‌ترین و کامل‌ترین نسخه موجود از نزهت‌نامه که تنها قسمت‌هایی از مقاله دوازدهم در آن افتاده است، موجود در دانشگاه تهران به شماره ۱۲۲۵-ف، به خط نسخ، بی‌کا و به تاریخ ۷۰۴ ق در ۱۷۶ برگ ۲۲ سطری. نسخه ای با خطی تقریباً شتابزده نوشته شده، اما یکی از پرمراجعه‌ترین نسخه‌هاست به دلیل حاشیه‌هایی که در اطراف آن به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی نوشته شده است. نشانه‌هایی از رسم‌الخط قدیمی در آن به چشم می‌آید که تا حدی بر اصالت متن و وفاداری کاتب دلالت می‌کند. به دلیل این ویژگی‌های مهم و برخی علت‌های دیگر اصلی‌ترین دست‌نوشته برای تصحیح همین نسخه است)، گوتا (موجود در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۹۳-ف. بی‌کا و بی‌تا به خط نسخ و در ۱۶۷ برگ. قسمت‌هایی از مقاله دوم و دوازدهم و انجام نسخه افتادگی دارد. اما تقریباً از کامل‌ترین نسخه‌های موجود است. رسم‌الخط آن قدیمی و مشابه با نسخه آکسفورد است) و مک‌گیل (= مونترآل موجود در آرشیو سایت رسمی دانشگاه مک‌گیل. این نسخه در ۲۹۲ صفحه است. اما تا صفحه ۱۲۷ متعلق به متن نزهت‌نامه است. کتابت نسخه را سایخ‌الشیرازی مرشدی با خط نسخ زیبایی در تاریخ ۸۰۷ هجری به اتمام رسانده است. تصاویر زیبا و رنگی از جانوران و گیاهان از امتیازهای خاص آن است؛ گرچه در موضعی نقش حیوانات و به همراه آن بخش‌هایی از متن نیز پاک شده است. قسمت‌هایی از مقاله اول، دوم و هفتم و به‌صورت کامل مقاله یازدهم و دوازدهم در نسخه نیست، اما در خاتمه کتاب نوشته شده است). ۹ نسخه دیگر در کتابخانه‌های ایران شناسایی شده که در فهرست دنا (درایتی، ۱۳۸۹/۱۰: ۶۶۵) ثبت گردیده است<sup>۱</sup>:

۱. نسخه کتابخانه ملک تهران شماره ۸۶۵، بی‌کا، به خط نسخ خوانا، در قرن هشتم هجری و در ۱۲۶ برگ ۲۱ سطری. متن در بیشتر مواضع از قسم دوم افتادگی دارد، در توضیح منازل قمر از مقاله هفتم بسیاری از مطالب جابجا نوشته شده و مقاله پایانی کتاب نیز ناقص است. با وجود این، از آنجا که بیشتر نسخه‌های موجود از نزهت‌نامه خلاصه شده و کاتبان چندان به متن اصلی وفادار نبوده‌اند و نیز با توجه به اندک بودن نسخه‌های نزدیک به روزگار تألیف کتاب، نسخه مذکور می‌تواند از جمله نسخه‌های اصلی تصحیح در نظر گرفته شود.

۲. نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۶۴۰۳/۳، بی‌کا و به خط نستعلیق در قرن ۱۰ هجری و در ۲۷ صفحه ۲۳ سطری بسیار تمیز و خوانا که البته در میانه ۶ برگ به خطی شتابزده و متفاوت

دارد و پس از آن به همان خط نخستین ادامه می‌یابد. این نسخه بسیار ناقص از فهرست مطالب کتاب در مقدمه شروع شده و مقاله اول و قسمتی اندک از مقاله دوم و بخشی از مقاله هشتم را شامل می‌شود. مناجات‌نامه‌ای نیز در نیمی از یک صفحه به خط نسخ عربی گنجانده شده است.

۳. نسخه کتابخانه مرعشی قم، شماره ۶۷۶۵ بی‌کا، به خط نسخ کتابت‌شده در قرن ۱۲ در ۱۴۸ برگ ۱۹ سطری. نسخه‌ای ناقص که مطالب در آن بی‌نظم و آشفته و بخش‌هایی نیز خلاصه‌وار نوشته شده است با افتادگی‌هایی در قسم نخست، انتهای مقالات هفتم و ابتدای مقالات هشتم.

۴. نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۶۴۷۱/۵، به خط نستعلیق کاتبی لطف‌الله نام در ۱۰۹ برگ ۲۷ سطری نوشته شده در ۱۰ رمضان ۱۱۷۶. نسخه تصاویر برخی از گیاهان و حیوانات را دارد. مقاله چهارم و پنجم در ابتدا آمده است. پایان نسخه ناقص است و مطالب خلاصه شده‌اند.

۵. نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۶۸۵۶ بی‌کا، به خط نسخی تمیز و خوانا و به تاریخ قرن ۱۳ هجری قمری در ۱۱۲ برگ ۲۷ سطری. این نسخه کهنگی‌های کتابت و رسم‌الخطی نسخه‌های قبل از قرن دهم را ندارد. بیشتر قسمت‌های نسخه کامل است. اما برخی قسمت‌های کوتاه حذف شده، نیز مقاله یازدهم ناتمام مانده و از اواسط مقاله دوازدهم ادامه یافته است.

۶. نسخه کتابخانه ملک ۸۵۹ بی‌کا و به خط نستعلیق در ۱۳۶ برگ ۱۹ سطری در سال ۱۲۲۳ هجری قمری. کاتب آگاهانه در موضعی از نسخه دست برده و به تشخیص خود خلاصه کرده (گ ۱۴۵) یا چیزهایی بر متن افزوده است؛ مانند شماره‌گذاری‌هایی به صورت اول، دویم، سیم و... که در باقی نسخه‌ها نیست. مقاله یازدهم نیز ناقص تمام شده، مطلبی در قدح عدل دارد که در نسخه‌های پیشتر نبوده و در نوع نهم از مقاله دوازدهم ادامه می‌یابد. چند صفحه پایانی نسخه از طرف راست صفحه بریدگی دارد و تمام جملات ناقص مانده است.

۷. نسخه کتابخانه دانشگاه بوعلی همدان، شماره ۲۲۳، به کتابت نجفعلی بن محمد قزوینی و خط نستعلیق در ۱۶۹ برگ ۱۳ سطری به تاریخ هفت شعبان ۱۲۲۶ هجری قمری. این نسخه طبق تصریح خود کاتب خلاصه شده است (گ ۱۷۱)، واژه‌ها عیناً ضبط نشده، مانند استفاده از حامله بجای آبستن (گ ۱۸) و ... ، انتهای مقاله هفتم افتاده (گ ۱۱۵-۱۱۶) و مقاله هشتم نیز بسیار ناقص است.

۸. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، شماره ۱۰۶۸۵، در ۱۱۰ برگ ۲۱ سطری به خط نستعلیق نه‌چندان تمیز از کاتبی محمدباقر نام به تاریخ ۱۲۴۶ هجری قمری. این نسخه شبیه نسخه ملک ۸۵۹ است و به نظر می‌رسد از روی آن نوشته شده است. کاتب علاوه بر پایان نسخه نام خود و تاریخ کتابت را در لابلای متن هم نوشته است (برگ ۸۶).

۹. نسخه کتابخانه مسجد اعظم قم، شماره ۱۰۱۳، به خط نسخ بی‌تا و بی‌کا و در ۱۸۸ برگ ۱۶ سطری. نسخه‌ای ناقص با افتادگی ابتدا و انتهای متن. نیز مقالت اول، دوم و بخشی از مقاله‌های سوم و یازدهم را ندارد.

۱۰. نسخه کتابخانه دانشگاه تهران، شماره ۳۵۰۶ عکس و ۳۵۰۷ عکس، از روی نسخه اصل JF 156، بی‌تا و بی‌کا، به خط نستعلیق مجموعاً در ۱۳۲ برگ ۱۵ سطری؛ در برگ نخستین این نسخه نام منافع حیوان نوشته شده که خلاصه‌ای از نزهت‌نامه اصلی است. توسط زین‌الدین محمد بن حسین موصلی حنفی در سال ۷۲۰ نوشته شده و گویا نسخه مذکور نیز به نام منافع حیوان معروف بوده است. نسخه خلاصه‌ای از پنج مقالت اول از نزهت‌نامه اصلی، چند برگ از آغاز مقاله هفتم و همچنین مقاله علم فراست را بصورت نامنظم شامل می‌شود. نسخه وین در دو بخش مجزا نمایه شده است که در بخش دو برگ ۲۹ بابتی از جمله ۴۴ باب پنجاهی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر زیاد جرجانی در نصیحت به فرزندش گیلان‌شاه را دارد که نشان می‌دهد بخش‌هایی خارج از کتاب نیز بر آن افزوده شده است.

۱۱. نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۷۸۴، بی‌کا و بی‌تا در ۱۸۷ برگ ۱۹ سطری به خط نستعلیق. بخش‌هایی از مقاله دوم برای تصویرگری خالی گذاشته شده، اما هیچ تصویری بر آن نقش نشده است. قسمت‌های دیگری (بیشتر در قسم دوم و مقالت هفتم) سطر به سطر و بریده‌بریده خالی مانده که به نظر می‌رسد کاتب قادر به خواندنشان نبوده و برای افزودن در آینده آن را باز گذاشته است. مقاله یازدهم کاملاً حذف شده. مقاله دوازدهم ناقص و انجام کتاب نیز افتاده است.

علاوه بر این‌ها نسخه دیگری نیز هست که در فهرست دنا ثبت نشده است:

نسخه کتابخانه ملی تهران، شماره ۵-۹۴۶۰، بی‌تا و بی‌کا به خط نستعلیق در ۱۵۹ صفحه ۱۵ سطری. نسخه‌ای ناقص که از ابتدا تا مقاله پنجم و میانه‌های توضیح کاهو را دارد. نسخه‌ای تقریباً خلاصه‌شده که مانند نسخه همدان در برخی مواضع تغییراتی در اسم‌ها و عنوان‌ها داده

است (گ ۳۲ و ۳۳). به نظر می‌رسد این نسخه کتابتی ناقص از روی نسخه همدان باشد و یا هردو از روی نسخه مشترک دیگری کتابت شده باشند.

در این میان از برخی متون چاپ‌شده که اشتراکاتی با نزهت‌نامه دارند، مانند منافع حیوان از ابراهیم مراغی، آثار علوی ابوحاتم اسفزاری و روضه‌المنجم نیز می‌توان در تصحیح نزهت‌نامه استفاده کرد.

### انتخاب ضب‌های نامناسب

مصحح گاه ضب نامناسبی را برگزیده که سبب ابهام متن گشته است. چنانکه شفیع‌کدکنی (۱۳۸۹: ۵۷۹) نیز تصریح کرده است: «در غالب موارد نسخه‌بدل‌ها و حاشیه درست است و متن نزهت‌نامه، به روایت جهان‌پور، غلط فاحش و آشکار دارد که به هیچ‌وجه قابل تصور و تعقل نیست. معلوم نیست معنی تصحیح متن درین‌گونه کارها چیست؟» در ادامه نمونه‌هایی از این گزینش‌های نادرست را می‌بینیم:

«و چنان که سگ چون سایه او بر سایه گفتار افتد و به تمامت در او مستغرق شود، اگرچه بر بلندتر جایگاهی باشد، به زیر افتد و گفتار او را بگیرد و این در باب مساوات و برابری است» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۱).

در کهن‌ترین نسخ یعنی آکسفورد (۱: گ ۱۳)، ملک ۸۶۵ (گ ۲۲) و مک‌گیل (گ ۱۳) و همچنین در متن عربی خواص موازین (۲۰۰۹: ۲۷۱-۲۷۳) بجای «مساوات»، «مسامت» آمده است. در چهار نسخه جهان‌پور جز نسخه D هم «مسامت» ضب شده که در بدل گذاشته شده است. ظاهراً جهان‌پور مساوات و برابری را در معنای معمولشان یافته و از معنای مسامت در این موضع غافل شده است. حال آن که مسامت: «تعت فاعلی از مسامته مقابل و موازی چیزی قرار گیرنده، روبرو و مقابل شونده» (لغت‌نامه) است. در عبارت نزهت‌نامه منظور از مسامت همان «مقابل و موازی چیزی قرار گیرنده» است و «برابری» نیز در این موضع در برابر و مقابل معنا می‌دهد.

«پاکیزه و خویشتن‌آرای سه‌اند: اسب و طاووس و خرو» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۴۶).  
در نسخه‌های گوتا (۱: گ ۲۱)، مجلس ۶۴۰۳ (گ ۱۵۱) و کتاب منافع حیوان (۱۳۸۸: ۶۰) به جای «پاکیزه» «باکیر» نوشته شده است. ملی و همدان هم «متکیر» دارند. باقی نسخ یا پاکیزه است و یا این بخش را ندارند. جهان‌پور بدون نوشتن اختلاف نسخه‌ها ضب پاکیزه را پذیرفته است. به نظر می‌رسد ضب «باکیر» بر پاکیزه برتری داشته باشد؛ چراکه در همین کتاب

خروس با «عجب و کبر» توصیف می‌شود:

«عجبی و کبری در خروس باشد و بدان ماند که بخویشتن خرم است» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۱۵۲).  
 - «طوس فروماند و گفت: فرزندان شاه با خسرو کشتی گیرند. هر که او را بیفکند، پادشاهی او راست. کیکاوس گفت: «او خرد است و کشتی گرفتن به پادشاهی چه تعلق دارد؟» طوس گفت: «این کار از آن بهرام گور بزرگ‌تر است که او تاج از میان دو شیر برگرفت؟ اگر خسرو نیز کشتی گیرد چه عجب؟» بر این پیمان بنهادند و هر سه پسر بیامند» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۲۸).

پاره مشخص شده در عبارت بالا در نسخه مک‌گیل (گ ۸) چنین آمده است:

«این کار از آن بزرگتر است که بی این براند اگر خسرو کشتی گیرد چه عجب».

چنانکه می‌دانیم داستان بهرام گور مربوط به بخش ساسانیان است و ماجراهای وی منطقاً نمی‌تواند مورد استناد کاوس که مربوط به بخش پهلوانی و پیش از بهرام است قرار گیرد. بنابراین گزینش مصحح در این مورد درست نیست.

- «وزن دانگی زهره و یک حبه مشک سوده کسی نیک ببوید که بسر ماه بیفتد منفعت کند» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۶۰).

جمله با این ضبط مبهم است و مشخص نیست که منظور از «به سر ماه بیفتد» چیست؛ حال آنکه نسخه D ضبط بهتری دارد:

«دانگی زهره کرک و یک حبه مشک با هم مصروعی را که سر ماه بیفتد سود دارد» (همان: ۶۰).

و منظور از سر ماه افتادن همان بیماری صرع است. این گزینش وقتی قوت می‌گیرد که در صفحه ۸۰ ضبط متن شبیه همین نسخه است:

«از سم او انگشتی سازند و مصروع که بسر ماه بیفتد با خویشتن دارد نیفتد» (همان).

- «و سیکی و سرکه را کی اندر خم باشد هرچند آن را بپوشند و باد جنوب آید فایده نکند و دُرد به زبر آرد و تیره گرداند. و مردم بامداد چون از خواب برخیزند و باد جنوب آمده باشد، بدان ماند کی روی او به گل و لعاب گاو اندر گرفته‌اند.» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۲۸۸)

در نسخه مک‌گیل (گ ۷۸) و البته نسخه‌های دیگر جهان‌پور (B D) به جای «گل»، «کلیز» نوشته شده است و کلیز، گل‌باز است به معنای آب دهان حیوان و انسان است که مؤلف برای کاستن از غرابت واژه، مترادف آشنا و پرکاربرد آن را آورده است. در نسخه ملک ۸۶۵ (گ ۱۷۸) نیز گل‌باز گاو نوشته شده است.

- «و بربط خود پهلوی نهاد در روزگار او درین شبهتی نیست» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۱۵). شفیعی کدکنی (۱۳۸۹: ۵۷۹) در مقاله‌ای درباره «باربد و بربط» که اصلی‌ترین مأخذ نزهت‌نامه است، درباره «پهلوی» می‌نویسد:

«نسخه‌بدل‌های پای صفحه چنین است: "پهلود نهاد، بهلودن نهاد، بهلوط نهاد" و ما متن را به‌قرینه معنی و تمام نسخه‌بدل‌ها اصلاح کردیم و احتمال اینکه پهلوی به معنی پهلود آمده باشد، بسیار بعید است.»

با مراجعه به متن نزهت‌نامه چند نکته مشخص می‌شود:

(۱) در هیچ نسخه‌بدلی بهلودن نیامده است. بلکه نسخه‌بدل‌ها به ترتیب پهلود نهاد، بهلود نهاد و بهلوط نهاد است.

(۲) شیوه جهان‌پور در ضبط‌های پاورقی چنین است که ابتدا ضبط انتخابی خود را می‌نویسد و در ادامه بدل‌ها را می‌گذارد. ضبط انتخابی او در این پاره از نسخه B و پهلود است و آنچه در متن گذاشته شده، «پهلوی»، درواقع اشتباه تایپی است که شوربختانه این اشکال در سراسر متن به چشم می‌خورد.

(۳) اما نکته مهم دیگر شکل ناآشنا تر واژه باربد در نسخه آکسفورد، بهلوط/ پهلوط است. گرچه تبدیل حرف دال و ت/ط به یکدیگر در زبان فارسی غیرطبیعی نیست و حتی امکان ویژگی لهجی نیز وجود دارد، اما گمان تصحیف واژه یا اشتباه کاتبان که ممکن است قرابت بیشتری بین بربط و بهلوط حس کرده باشند نیز بی‌مناسبت نخواهد بود؛ چراکه این شکل از واژه در متون دیگر سابقه‌ای نداشته است.

(۴) و در آخر یکی از اصلی‌ترین ایرادهای تصحیح جهان‌پور، یک‌دست نبودن انتخاب‌های وی از نسخه‌هاست. سه صفحه پس ازین قسمت باز هم از باربد نام برده می‌شود که در کمال تعجب می‌بینیم ایشان ضبط تصحیفی «پهلوی» از نسخه آکسفورد را بر ضبط‌های G و M که بهلود است ترجیح داده‌اند: «و نام تقدم هر نوعی یک تن را بوده است... و مثل زنند چون حکمت لقمان حکیم و جادوی بلیناس و شاعری عرب از امرؤالقیس و پارسی دری از رودکی و مطربی پهلوی و حلم احنف قیس و ...» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۱۸).

- «و پارسیان اقلیم را کشور خوانند و هر کشوری را نامی نهاده‌اند: اول ارزه، دوم ورسوه، سوم فردیس، چهارم وندغش، پنجم وبرز، ششم درجرش، و هفتم حنتره» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۰۷-۳۰۸).

جهان‌پور این بخش را از نسخه B انتخاب کرده است که غلط‌ترین ضبطها را دارد؛ برای نمونه ضبط آکسفورد چنین است: «اول ارزه، و دوم سیوه و سوم وردمش، چهارم ویددفش، پنجم ووربرشت، ششم وورجرست، و هفتم حنبرث نامی» (۲: گ ۷). ضبط بسیاری از نسخه‌ها در این نام‌ها که شکل پهلوی خود را حفظ کرده‌اند، تحریف شده است. جهان‌پور که در مواضعی به روش تصحیح قیاسی عمل کرده، در این بخش به شکل درست واژه‌ها التفاتی نکرده است. حال آنکه با مراجعه به متن اصلی اوستا به شکل درست آنها می‌توان رسید: «مهر توانا بر «آرزهی»، «سوهی»، «فرددفشو»، «ویددفشو»، «واورویرشتی»، «واورویرشتی» و بر این کشور «خونیرث» درخشان - پناهگاه بی‌گزند و آرامگاه ستوران - بنگرد» (اوستا، ۱/۱۳۹۶: ۳۵۶؛ نیز بنگرید به: همان: ۳۸۵، ۳۹۹-۴۰۰ و...). همچنین در زمانی نزدیک‌تر به شهردان، دیباچه شاهنامه ابومنصوری نیز نام پهلوی هفت اقلیم را بدین ترتیب دارد: آرزه؛ سوت، فرددفش، ویددفش، ووربرست، وورجرست، خنرس بامی (ر.ک: ابومنصور، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

### نادرستی ضبط نسخه‌های جهان‌پور

در بخش‌هایی از متن چاپی اشکال‌هایی وجود دارد که با نسخه‌های تازه برطرف می‌شود؛ از جمله:

- «و همچنین ارزی‌ز در قسمت مشتری است و معتدل است، جسد او گرم و خشک است بر طبع برج قوس و روح او سرد و تر بر طبع عقرب» (شهردان، ۱۳۶۲: ۵۶۲).

در مقاله پایانی کتاب، در بخش «گفتار در معادن» هر کدام از فلزات به یکی از سیاره‌ها منسوب شده و طبع آنها با توجه به خانه این سیارات معین شده است. ارزی‌ز منسوب به مشتری است و طبع جسد او بر اساس برج قوس و طبع روح او بر اساس برج عقرب آمده است. اما خانه مشتری دو برج قوس و حوت است که در نسخه آکسفورد به اشتباه بجای حوت، عقرب نوشته شده و جهان‌پور متوجه این خطا نشده است. در نسخه مرعشی به جای طبع عقرب طبع حوت آمده (گ ۱۲۲) و همین ضبط درست است.

- «سقطفروش مانند قمارباز و خرابات» (شهردان، ۱۳۶۲: ۴۹۲).

در این پاره از متن معطوف کردن اسم مکان، خرابات، به شغل و حرفه اشتباه است و از میان تمام نسخه‌ها تنها نسخه همدان ضبط درست را دارد: «سقط فروش مانند قمارباز و خراباتی» (گ ۱۵۸).

مقاله دهم نزهت‌نامه در آثار علوی بوده و تماماً از روی کتاب ابوحاتم اسفزاری نوشته شده است. ما نیز در تصحیح این بخش، از نسخه چاپ شده کتاب کمک گرفته و اشکالات واضح و یا مواضع مهم اختلافی را برای ارائه متنی درست‌تر ثبت نمودیم؛ از جمله:

- عنوان فصل نهم این مقاله در نسخه چاپی چنین نوشته شده است: «فصل نهم: اندر شمس و ذات الذوایب» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۴۳۲). آنچه از عنوان متن و توضیحات آن مشخص است «ذات الذوایب» باید طبق رساله آثار علوی «ذات الذوانب» باشد (ابوحاتم، ۲۵۳۶: ۲۳) که جمع «ذو ذنب» بوده، هر چند جمع این واژه «ذوات الاذناب» ثبت شده (ر.ک: دهخدا) و شکل درست این اصطلاح نیز همین است.

- «و چون آن بخارات که در زیر زمین تولد کند و راه نیابد که بر هوا آید، به سبب آن حرارت که در وی باشد قصد بالا می‌کند و زمین صلب بود و راه ندهد و چون بخار بسیار شود آن زمین را به جنبانیدن گیرد تا آنگاه که جایگاهی از او بشکافد و آن بخارات بدان شکافتگی برآید و آن اضطراب ساکن گردد و باشد که قوت آن بخار با قوت زمین شکافی بود. پس این اضطراب و زلزله روزهای بسیار بماند. آنگاه اگر بخار غالب شود، زمین را بشکافد» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۴۴۴). موضع مشخص شده در رساله آثار علوی «مکافی» است (ابوحاتم، ۲۵۳۶: ۴۱) که درست‌تر می‌نماید.

- «و اتفاق است میان حکما که به سبب هوای عالم به بسیط روی زیق چون به سبب هوای سخت سرد زمستان است به بسیط آب» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۴۴۹). در رساله آثار علوی به جای «به سبب»، «نسبت» نوشته شده (ابوحاتم، ۲۵۳۶: ۵۰) و ضبط آکسفورد و تصحیح جهان‌پور اشتباه است.

- «و بخار کبریت بغایت گرم بود و چون بر چیزهای لزج بگذرد، رطوبات آن چیزها را گرم گرداند و با خویشتن سوی بالا برد و چون آن رطوبات جامد لون آن چیز باشد، آن لون باطل شود و سپیدی که عدم الوانست آنجا بماند» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۴۵۰).

واژه مشخص شده در نسخه‌های BM «جامد» است در G «حایل» و در آکسفورد «حامد» که همه نادرست بوده و بر اساس ضبط رساله آثار علوی این کلمه «حامل» است (ابوحاتم، ۲۵۳۶: ۵۲) و باقی ضبطها تحریف واژه مذکورند.

- «آنگاه زال و جمله سپاه بیامدند و به شهر قم لشکرگاه ساختند و افراسیاب به شهر ری بود و نشان یافتند که به همدان از تخم شاهان یکی است. او را قباد خوانند... رستم با تنی چند سوی



همدان راند... چون این خبر به افراسیاب رسید، بزرگی بود قلون نام، او را چهار هزار سوار نامزد کرد و به مشکوه فرستاد و یک‌شبانہ ترتیب طلایه دیگر فرمود» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۲۰-۳۲۱). واژه «یک‌شبانہ» در نسخه‌ها پیوسته نوشته می‌شود: یکشبانہ. واضح است بدخوانی و بی‌دقتی کاتبان می‌توانسته تمام نقطه‌های این کلمه را درهم‌ریخته و «بکستانه» یا «بکستانه» تبدیل شود به «یکشبانہ»! در نسخهٔ ملک ۸۶۵ «بکستانه» نوشته شده (گ ۱۹۹) و کستانه/کستانه «نام دهی است میان ری و ساوه و به نام‌های قسطانہ، بستانه و کستانه نیز ثبت شده است» (دهخدا). چند سطر پایین‌تر نیز نام این ده به شکل درستش نوشته شده است: «رستم چندانک توانست بکشت و سوی کستانه راند و گفت: فسوس باشد اگر این صید را رها کنم و این قوم بمانند» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۲۱). بنابر روایت شهمردان، روستای کستانه مکان مهمی بوده. چراکه نخستین نبرد تن‌به‌تن رستم و افراسیاب در همین جای رخ داده است.

#### بی‌توجهی به ویژگی‌های سبکی متن

در تصحیح متون کهن، توجه به ویژگی‌های سبکی اثر بسیار مهم است. چراکه اصالت اثر و کهنگی زبان آن را حفظ می‌کند. از جمله ویژگی‌های سبکی نزهت‌نامه که مصحح بدان توجه نداشته، عبارت است از:

#### وجود فاصله بین دو صفت یک موصوف

یکی از ویژگی‌های سبکی نزهت‌نامه، وجود فاصله بین دو صفت یک موصوف است که معمولاً یکی قبل از فعل و دیگری بعد از فعل می‌آید؛ مانند موارد زیر:

«و سرو درازی ندارد و از دندان پیل قوی‌تر است و سر تیز دارد و ستبری تمام و بدین سبب زخم صعب تواند کردن» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۵۵).

«هر جانوری را که خصی کنند بوی او خوش شود مگر مرد خصی که بویی دیگرگونه دهد ناخوش» (همان: ۳۸-۳۹).

در زیر نمونه‌هایی از این عدم توجه مصحح را در تصحیح می‌بینیم:

- «و زبانی دارد کوتاه برگردیده» (همان: ۵۱).

با توجه به ویژگی سبکی کتاب، نسخهٔ آکسفورد صحیح‌تر است:

«و زبانی کوتاه دارد برگردیده» (گ ۱: ۱۹).

«و هندوان گویند اگر زبان پیل باشگونه و مقلوب نبودی» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۵۱) که باید چنین باشد:

«و هندوان گویند اگر زبان پیل باشگونه نبودی و مقلوب» (آکسفورد/د: ۱: گ ۱۹).

«پس اگر به دست آید و شکم برکنند رودگان و شکمش از طعام خشک و خالی شده باشد» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۵۸)

که این ضبط درست است:

«پس اگر به دست آید و شکم برکنند رودگان و شکمش از طعام خالی باشد خشک شده» (آکسفورد/د: ۱: گ ۲۱).

#### کاربرد صفتی واژه «صعب»

واژه «صعب» که معمولاً به صورت قید به کار می‌رود، در نزهت‌نامه کاربرد صفتی دارد؛ چنانکه در موارد زیر می‌بینیم:

«نیز چون موش بیند نیک بدو در می‌نگرد و دنبال همی جنباند و بدان همی ماند که اندیشه صعب می‌کند» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۴۹؛ نیز: آکسفورد/د: ۱: گ ۱۸).

«و با مار دشمنی صعب دارد» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۵۴؛ نیز: آکسفورد/د: ۱: گ ۲۰).

«در ماوراءالنهر چون یکی را غنده بزند، پلیدی مردم را بخورد او دهند و در تنور گرم کنند، نیک شود و این دردی صعب است» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۴۵).

مصحح بدون توجه به این ویژگی سبکی کتاب، ضبط قیدی آن را برگزیده است:

«پیل چون صعب مانده شود، کتفش به روغن و آب گرم بمالند ساکن گردد» (همان: ۵۴).

چنانکه اشاره شد، با توجه به شواهد کاربرد این واژه ضبط آکسفورد ارجح است:

«پیل چون مانده صعب شود، کتفش به روغن و آب گرم بمالند ساکن گردد» (آکسفورد/د: ۱: گ ۲۰).

#### پایبند نبودن به حفظ امانت در ضبط نسخه‌ها

مصحح گاه چندان به ضبط‌های مختلف نسخه‌ها پای‌بند نبوده و اختلاف‌ها را به دقت و درستی ثبت نکرده است. این کوتاهی در ضبط دقیق نسخه‌ها سبب شده تا با متنی قابل اعتماد مواجه نباشیم. نمونه‌های زیر از این گونه‌اند:

- «چون گوشش راست ایستاده باشد، همه آوازه‌ها شنود و بیدار است و چون گوش فراز افکند، آوازه‌ها بر او پوشیده ماند» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۸۵).  
در آکسفورد به جای «بیدار است»، «پیدا است» آمده (۱: گ ۳۰)؛ اما مصحح آن را ثبت نکرده است.

- «چون در این مقالت از چند گونه از کتاب فلاحت فصلی درآورده شد از چند باب و چند فصل دیگر بدان پیوندیم» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۲۴۰).  
در ضبط آکسفورد چنین است:

«در این مقالت چند گونه از کتاب فلاحت فصلی درآورده آمد. چند باب و چند فصل دیگر بدان پیوستیم» (۱، گ ۷۵)  
که برای این اختلاف‌ها نسخه بدلی داده نشده است.

- «محک نیلی بر نزدیکی اقران و دوستان و دوستی بزرگان یاری دهد ... محک سبز بر هر درختی که ببنند، بر بسیار آرد» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۲۸۲).  
ضبط آکسفورد چنین است:

«محک نیلگون بر نزدیکی اقران و دوستان و دوستی بزرگان یاری دهد ... محک گندارنگ بر هر درختی که ببنند، بر بسیار آرد» (۱: گ ۸۶).

و باز هم این تفاوت‌ها نموده نشده است. درحالی که ثبت این واژه‌ها می‌تواند در شناخت و رهگیری قدمت آنها در متون کهن تأثیرگذار باشد.

- «چنانک عنکبوت خرد - که آن را «فهد» خوانند - چون بر خداوند تب رُبُع ببنند، از او باز برَد لکن به دبری و اگر ذراریج به یاری آن برند، به زودی باز برَد؛ این در باب تعلیق است» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۱).

نسخه‌های مک‌گیل (گ ۱۲) و ملک ۸۶۵ (گ ۲۲) این عبارت را اضافه دارند که در نسخه‌بدل‌ها ثبت نشده است:

«و سقمونیا دفع صفرا کند و سکنجبین ساکن گرداند؛ این در ذوق و خوردنی است».

- «خایه او خشک کنند و بسایند و شب یمانی و مازو با آن یار کنند و در میان قیضه شمشیر نهند و مردی در گردن افکند، به ساعت بر دشمن مظفر شود» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۱۱۴).

واژه مشخص شده در نسخه آکسفورد «قیبعه» (۱: گ ۳۸) است که مصحح در این موضع هیچ نسخه‌بدلی ارائه نکرده و علاوه بر چنین اشتباهی می‌توان دریافت که وی این کلمه را

درست تشخیص نداده است. قبیعه در لغت‌نامه بدون هیچ شهادی «بند شمشیر و کارد یا پوشش فلزی که بر سر قبضه شمشیر است» تعریف شده که ضبط درست این واژه در متن می‌تواند شاهد خوبی برای ثبت در فرهنگ‌های لغت باشد.

### اشتباه خواندن نسخه‌ها

«رستم لارجانی محدث شاه گرد نامه‌ای ساخته است و دعوی همی‌کند که از اول عهد کیومرث تا پادشاهی شمس‌الدوله ابوطاهر بن نوبه که همدان داشت، باز خواهیم گفتن» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۴۲).

در تصحیح فعلی نام اثر، «گردنامه» نوشته شده است و از آنجایی که در سراسر متن، علائم سجاوندی به درستی اعمال نشده، چنین ضبطی ابهام‌برانگیز شده است. بنا به توضیح مصحح در مقدمه، وی شاه را مضاف‌الیه محدث و نام اثر را «گردنامه» تشخیص داده است (همان: مقدمه: ۸۳ و ۸۴). خطیبی در مقاله‌ای (۱۳۹۴) آن را «شاه‌کرد نامه» خوانده و به اشتباه پنداشته جهان‌پور آن را شاه‌گردنامه دانسته و این اشکال را از یک غفلت ساده در نسخه‌خوانی دانسته است. پیش از خطیبی، خالقی‌مطلق (۱۳۶۳) نیز اظهار نظر کرده و ابتدا «گُرد» را زائد و شاهنامه را درست می‌داند (۱۳۶۳: ۵۱)، اما بعداً نظر خود را رد کرده و همچون جهان‌پور آن را گردنامه دانسته و شاه را مضاف‌الیه محدث (۱۳۹۰).

به نظر نگارندگان، اشکال در بخش دوم این واژه یعنی «کرد» است که باید «کار» باشد و واژه مذکور «شاه کارنامه». از آنجا که برخی نسخه‌ها شاه را «شاهان» ضبط کرده‌اند، «شاهان کارنامه» هم می‌تواند درست باشد. مهمترین دلیل بر درستی این تصحیح در اطلاق به متون گردآوری‌شده اسطوره‌ای و حماسی ایرانی، کاربرد این واژه در کهن‌ترین اثر مکتوب حماسی یعنی مقدمه شاهنامه ابومنصوری است: «و خواندن این نامه، دانستن کارهای شاهان است و بخشش کردن گروهی از ورزیدن کار این جهان و سوذ این نامه هر کسی را هست و رامش جهان است و انده‌گسار انده‌گنان است و چاره درماندگان است و این را شاهان کارنامه از بهر دو چیز خوانند: یکی از بهر کارکرد و رفتار و آیین شاهان تا بدانند و در کنذایی با هرکس بتوانند ساختن و دیگر کی اندر او داستان‌هاست کی هم به گوش و هم به گوش خوش آید» (ابومنصور، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

«همچنانکه مار پوست باز گذارد، دیگر حیوان را همی‌باشد. همچنانکه شتر موی باز هلد و

گاو کوهی که سُرُو بیفکند و مرغ خانگی همچین که از تخسیر بیرون آید (شهمردان، ۱۳۶۲: ۴۵-۴۶).

نسخه گوتا «تخسیر» را «تخسیر» نوشته (۱: گ ۲۱) که احتمالاً نقطه‌ای در کتابت افتاده، اما مصحح آن را «تحسین» خوانده است. در نسخه مرعشی چنین آمده:

«و گاو کوهی شاخ بیفکند و مرغ پر» (گ ۱۲)

کاتب در این نسخه هم زبان را به روزگار خود نزدیک‌تر و روان‌تر ساخته و هم با این تغییرات به نوعی واژه غریب «تخسیر» را توضیح داده است.

ضمناً در همین نسخه «خانگی» نوشته نشده است. نسخه آکسفورد و مک‌گیل هم خانگی را ندارند. مصحح نسخه بدل هم نیاورده و گویا این واژه را از خود افزوده است.

«پیه او بگذازند و با روغن زنبق بر روی کنند. هر که او را ببند، دوست دارد و درست کنند و زن بخورد، فربه شود» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۶۴).

براساس آنچه در نسخه چاپی آمده، این ضبط طبق نسخه گوتاست. اما با بررسی این نسخه دریافتیم که ضبط گوتا (۱: گ ۲۷) نیز چون آکسفورد (۱: گ ۲۳) و مک‌گیل (گ ۲۰) «در بست (کنند)» است و بست همان پست و آرد است. بنابراین مصحح هم نسخه گوتا را بد خوانده و هم انتخاب نادرستی داشته است.

«چنانکه از سنگ آن گرامی‌تر که گویند آئینه‌وارست و یا چون برگ مورد و دانه نارست» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۶).

مصحح این واژه را در تمام نسخ «آئینه‌وار» خوانده است. اما حداقل در دو نسخه متقدم ما (آکسفورد: ۱/ گ ۷ و ملک ۸۶۵: گ ۹) و نسخی چون مرعشی (گ ۲)، مجلس ۶۸۵۶ (گ ۴)، همدان (گ ۴) و ملی (گ ۸) «آبدارست» نوشته شده و فقط در نسخه گوتا «آئینه دار» آمده است.

«و بارها گوشت بزرگ به یک‌بار فرو برد و بته خاید» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۴۸).

متن بالا درباره غذا خوردن شیر است که مصحح «بارها» خوانده، حال آنکه منظور «پاره‌ها»ست. در نسخه خطی «پ» «ب» نوشته شده و «ه» در واژه «پاره» با اتصال به «های» جمع حذف شده و همین سبب اشتباه مصحح گشته است.

در همین سطر اشتباه دیگری در «بته خاید» رخ داده که بر اساس ضبط G بوده و ضبط درست از نسخه‌های OM و «بته‌خاید» (بنخاید) است.

- «ارواح چهارند و از بهر آن گویند که چون بر آتش نهند، بروند و گویند روح دارند و دو آن است که بسوزد و ببرد و این ژویه و نوشادر است و دو آن است که نبرد الا آنکه آتش در او افتد» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۲۵۵-۲۵۶)

آنچه در این بخش به چشم می‌آید، اشتباه مصحح در خواندن دو واژه «ببرد» و «نبرد» است که باید ببرد/بیزد و نبرد/نیزد خوانده شود. پریدن یا پختن، تبخیر شدن معنی می‌دهد که البته بردن در این موضع بسیار بی‌معنی و نامناسب با بافت معنایی کلام است و نهاد هم آتش نیست که بتوان آن را توجیه کرد. ضبط یکی از نسخه‌های ما یعنی ملک ۸۶۵ (گ ۱۶۰) نیز «بسوزد و بیزد» بوده که گواه محکمی بر این ادعای ماست.

- «حیوان: ناطق گویا چون مردم، عکس ناطق سه گونه است: آنچه از رحم بیرون آید، آنچه از خایه برخیزد و آنچه تولد از عقوبات کند» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۶۴).

واژه مشخص شده «عقونات» باید باشد. چنان که ضبط نسخه آکسفورد (۲: گ ۲۵) این گونه بوده و نسخه ملک ۸۶۵ (گ ۲۳۳) نیز «عقونت» است.

### حذف واژه یا اصطلاحی مهم از متن

گاهی انتخاب مصحح، سبب شده واژه‌ای مهم به بدل رفته و از متن اصلی حذف شود:

- «مردی مجهول حاضر بود. گفت به یک قطره آب زیادت و نقصان پیدا آید و در وزن تفاوت کند. وجه آن است که هر دو به یک ثقبه زرگران بکشند و به وزن راست بدانند» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۳۷۳).

در آکسفورد بعد از ثقبه «و شمس آهنج» آمده (۲: گ ۳۳)، در نسخه ملک نیز «سقساهنگ» (گ ۲۵۲) نوشته شده است که می‌تواند تصحیف شفشاهنگ باشد و به هر روی، به صورت درست واژه یعنی شفشاهنج و شفشاهنگ نزدیک است. به نظر می‌رسد ضبط درست آکسفورد نیز «شمس آهنج» باشد که شمس نوشته شده و می‌تواند نشانگر ریشه و شکل متفاوت این واژه باشد که در گذشته نیز کاربرد داشته و کمتر بدان توجه شده است.

در نسخه چابی با حذف «شمس آهنج» از متن اصلی و گذاشتن آن در بدل از نسخه‌های آکسفورد و گوتا، سبب شده تا شکل کمیابی از یک واژه نادیده گرفته شود.

- «هر روز چندان جانور به گلو فروبرد که عدد آن نباشد» (شهمردان، ۱۳۶۲: ۱۶۸).

خواننده آگاه حتماً منظور از «عدد آن نباشد» را درمی‌یابد و متوجه می‌شود که کلمه‌ای چون

«پیدا» از متن جاافتاده است. اما با مراجعه به نسخه آکسفورد درمی‌یابیم بی‌دقتی در خوانش این نسخه سبب چنین نقصی در متن شده است:

«هر روز چندان جانور را به گلو فروبرد که عدد آن خدای عزوجل داند» (آکسفورد/۱: گ ۵۳).

### اشکالات دیگر

وجود برخی غلط‌های املائی (ر.ک. شهردان، ۱۳۶۲: ۶، ۲۵۱)، فاصله‌گذاری‌های اشتباه (همان: ۶۰، ۵۹، ۷۳ و...)، تکراری نوشتن کلمات (ر.ک. همان: ۳۹، ۹۲ و...)، رعایت نکردن علائم سجاوندی (ر.ک. همان: ۱۳۶۲: ۳۴، ۴۸ و...) و... از دیگر اشکالات کتاب است. علاوه بر اینها، نداشتن هیچ گونه شرح و تعلیق و فهرست - که برای چنین کتاب‌هایی ضروری می‌نماید - از نواقص مهم این تصحیح است. هرچند جهان‌پور در ابتدای پیشگفتار وعده «فرهنگی نیز از لغات نادر این کتاب و همچنین ضمائم درباره نام افراد و محل‌هایی که در کتاب ذکر شده» (همان: ۱۷) نیز داده است، اما این وعده هیچ‌گاه تحقق نیافته است.

### نتیجه

بر اساس داده‌های این مقاله تصحیح فعلی نزهت‌نامه تصحیح منقحی نیست و اشکالات فراوان دارد. بخشی از مهمترین اشکالات تصحیح فعلی که در مقاله حاضر به آن پرداخته شده عبارت است از:

۱. استفاده نکردن از همه نسخه‌های موجود؛
  ۲. انتخاب ضب‌های نامناسب؛
  ۳. نادرستی برخی ضب‌های نسخه‌های مصحح؛
  ۴. بی‌توجهی به ویژگی‌های سبکی متن؛
  ۵. پایبند نبودن به حفظ امانت در ضبط نسخه‌ها؛
  ۶. اشتباه خواندن نسخه‌ها و حذف واژه یا اصطلاحی مهم از متن؛
  ۷. نادیده گرفته شدن اهمیت واژه‌شناسی کتاب با ثبت بی‌دقت نسخه‌ها.
- از آنجا که نزهت‌نامه قابلیت بالایی برای انواع پژوهش‌های تاریخی، علمی، ادبی، اساطیری، ادبیات عامه و... دارد، تصحیح مجدد کتاب برای در دسترس نهادن متنی پیراسته از خطا و آراسته به توضیحات، فهرست‌ها و ... برای درک و استفاده بهتر از آن ضروری است. شیوه پیشنهادی ما در

تصحیح نزهت‌نامه، برگزیدن نسخه اساس است. از آنجایی که اقدم نسخ (آکسفورد) با فاصله ۲۰۰ ساله از زمان تألیف آن است و بیشتر نسخه‌های قرن دهم به بعد خلاصه‌شده با دستبردهای فراوان‌اند، بهتر است به جای شیوه التقاطی، به نسخه آکسفورد وفادار مانده و آن را احیا نمود و نسخه‌های اصلی دیگر که به پیش از قرن دهم تعلق دارند و وفاداری کاتبان آنها در مقابله با آکسفورد مشخص شده است - مانند دست‌نویس‌های ملک ۸۶۵ (قرن ۸)، مک‌گیل (۸۰۶ هجری)، گوتا (بی‌تا اما با نشانه‌های قدمت) برای مقابله و بدل مستقیم انتخاب شوند. در صورت برتری بدل‌ها نیز می‌توان در پاورقی بدان اشاره و در مواردی هم که مشکل متن با این نسخه‌ها برطرف نمی‌شود، به تمام دست‌نویس‌های دیگر مراجعه کرد. همچنین در صورت ابهام و افتادگی واضح از نسخه آکسفورد، می‌توان موارد لازم را در قلاب گذاشته و در متن اصلی گنجانده.

### یادداشت:

۱. دو نسخه ملک ۸۵۹ و مجلس ۷۸۴ را هم بناچار در این قسمت معرفی می‌کنیم، چراکه از جمله نسخه‌های شناسایی شده جهان‌پور است که از آنها استفاده‌ای نکرده است.

### منابع

- ابومنصور موفق هروی (۱۳۸۳) «دیاچه شاهنامه ابومنصوری»، به کوشش رحیم رضازاده ملک، نامه انجمن، ش ۱۳، ص ۱۲۱-۱۶۶.
- اخوان الصفا (۱۳۹۶) رسائل؛ نسخه برگردان دستنویس ۲۱۳۰، ج ۱، تهران: میراث مکتوب.
- اسفزاری، ابوحاتم (۲۵۳۶) آثار علوی، چاپ محمدتقی مدرس‌رضوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اوستا (۱۳۹۶) چاپ جلیل دوست‌خواه، ج ۱، تهران: مروارید.
- بختیشوع، ابوسعید (۱۳۹۲) منافع الحيوان، از روی نسخه کتابخانه ملی پاریس به شماره ۲۷۸۲، تهران: انتشارات سفیر اردهال.
- بکران، محمد بن نجیب (۱۳۴۲) جهان‌نامه، چاپ محمد امین ریاحی، تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶) سبک‌شناسی، جلد ۲، تهران: امیرکبیر.
- جابر بن حیان (۲۰۰۹) مجموعه من رسائل جابر بن حیان، چاپ پل کراوس، با مقدمه عبدالرحمن بدوی، پاریس: داربیبلیون.
- جمالی یزدی، مطهر بن محمد (۱۳۴۶) فرخ‌نامه، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
- جهانپور، فرهنگ (۱۳۶۳) «نزهت‌نامه علائی: اثر شهردان بن ابی‌الخیر رازی (۱)، ایران‌نامه، شماره ۸، ص ۵۷۵-۵۹۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳) «نزهت‌نامه علائی: اثر شهردان بن ابی‌الخیر رازی (۲)»، ایران‌نامه، شماره ۹، ص ۸۷-۱۰۷.



- خالقی مطلق، (۱۳۶۳) «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه (۱)»، ایران‌نامه، شماره ۹، ص ۲۶-۵۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰-الف). «شاهنامه پیروزان». در: فردوسی و شاهنامه‌سرایی (گزیده‌ای از مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی)، به مناسبت همایش بین‌المللی هزاره شاهنامه فردوسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۹۶۳-۹۶۴.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۹۴) «یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی»، گزارش میراث، دوره دوم، سال نهم، شماره سوم و چهارم، ص ۱۵-۱۶
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹) فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۱۰، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دنیسری، شمس‌الدین محمد ایوب (۱۳۸۷) نوادر التبادر لتحفة البهادر، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ذیحجی، رحمان (۱۳۹۶) «باورها و آیین‌های نباتی عامیانه در نزهت‌نامه علائی»، فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۵، شماره ۱۸، ص ۲۹-۴۶.
- رضوی برقی، سید حسن؛ عالم‌زاده، هادی (۱۳۸۴) «ترجمه‌ای کهن از رساله فراست فخر رازی، ترجمه لطف‌الله عزیزالهدوی»، تاریخ علم، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۱۳۹-۲۰۰.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹) موسیقی شعر فارسی، تهران: آگه.
- شهردان ابن ابی‌الخیر رازی (۱۳۸۲) روضه المنجمین، چاپ جلیل اخوان‌زنجانی، تهران: میراث مکتوب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲) نزهت‌نامه علائی، چاپ فرهنگ جهانپور، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- \_\_\_\_\_ (۱۲۴۶) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۶۸۵، کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد.
- \_\_\_\_\_ (۷۰۴) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی آکسفورد، شماره ۱۲۲۵؛ دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی گوتا، شماره ۷۹۳؛ دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (ق ۱۳) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۶۸۵۶ مجلس شورای اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۷۸۴، مجلس شورای اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (ق ۱۰) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۶۴۰۳/۳، مجلس شورای اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۱۷۶) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۶۴۷۱/۵، مجلس شورای اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (ق ۱۲) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه مرعشی قم، شماره ۶۷۶۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۰۱۳) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، شماره ۱۰۱۳.
- \_\_\_\_\_ (۸۰۶) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه مک‌گیل؛ <http://congress.4kia.ir>.
- \_\_\_\_\_ (۱۲۲۳) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه ملک، شماره ۸۵۹.
- \_\_\_\_\_ (ق ۸) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه ملک، شماره ۸۶۵.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۵-۹۴۶۰.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی وین، شماره ۳۵۰۶-۳۵۰۷؛ دانشگاه تهران.

- \_\_\_\_\_ (۱۲۲۶) نزهت‌نامه علائی، نسخه خطی همدان؛ دانشگاه بوعلی همدان.
- صداقت‌کیش، جمشید (۱۳۸۲) «قنات‌های مقدس ایران»، کتاب ماه هنر، شماره ۵۷ و ۵۸، ص ۳۴-۴۲.
- عالم‌زاده، هادی؛ معینی‌نیا، مریم (۱۳۸۴) «علم فراست در منابع اسلامی»، تاریخ علم، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۱۲۵-۱۳۷.
- عیوضی، زینب و علیرضا ملایی‌توانی (۱۳۹۸) «بررسی تغییرات مذهبی رساله‌های تعبیر خواب از دوره تیموری به عصر صفوی و قاجار»، مطالعات تاریخ اسلام، پیاپی ۴۲، ص ۱۱۱-۱۲۹.
- قلندری، حنیف (۱۳۸۸) «جانورشناسی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، صص ۳۹۴-۴۰۵، تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- لغت‌نامه دهخدا.
- مراغی، محمود بن ابراهیم (۱۳۸۸) منافع حیوان، چاپ محمد روشن، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مولوی، محمدعلی (۱۳۷۹) «اقلیمون»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، صص ۶۰۶-۶۰۸؛ دسترسی در ۱ بهمن ۱۳۹۸، به نشانی: [www.cgie.org.ir/fa/publication/entryview/10037](http://www.cgie.org.ir/fa/publication/entryview/10037).